



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از مسائل مربوط به ولایت فقیه این است که احکامی که ولی فقیه صادر می کند حکم اولی هستند یا حکم ثانوی؟ ما باید توجه داشته باشیم که احکام به اعتبارات مختلف چند قسم هستند؛ اول حکم واقعی و حکم ظاهری، حکمی که روی موضوع خودش است و علم و جهل و شک در آن مأخوذ نیست حکم واقعی می باشد مثل "أقيموا الصلاة" اما حکمی که شارع مقدس در ظرف شک به واقع و یا به قید شک به واقع قرار داده حکم ظاهری می باشد، مفاد امارات از احکام ظاهریه هستند اما مفید ظن می باشند مانند جائی که شارع حکمی را در ظرف جهل به واقع جعل کرده ولی دلیل آن حکم مفید ظن است و به آن احکام ظاهریه گفته می شود مثل خبر واحد و یا ظواهر الفاظ که مفید ظن هستند اما گاهی ما شک در واقع داریم و شارع نیز اماره ای نصب نکرده که اینجا جای اصول عملیه یعنی استصحاب و برائت و اشتغال و تخییر می باشد البته مفاد اینها اگر حکم باشد حکم ظاهری است، و اما اینها در شبهات حکمیه هستند و در شبهات موضوعیه نیز اصولی مثل اصالة الصحة داریم خلاصه ما باید تقسیمات اصول و امارات را بدانیم اما مفاد اینها هرچه باشد حکم ظاهری است در مقابل حکم واقعی.

دوم تقسیم احکام به عناوین اولیه یعنی همان واقعیات مثل وجوب نماز و احکام به عناوین ثانویه مثل لاضرر و نذر و یمین، حالا در اینجا بحثی بوجود می آید که حکم فقیه اولیه است یا ثانویه؟ این مسئله در زمان امام رضوان الله علیه نیز مورد سوال قرار گرفت لذا به عنوان

مقدمه و برای روشن شدن بحث مطلبی از ایشان در این مورد می خوانیم، ایشان در جلد ۲۰ صحیفه نور در جواب آیت الله خامنه ای دامت برکاته که در آن زمان رئیس جمهور بودند اینطور فرموده اند:

« بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای خامنه ای رئیس جمهور محترم جمهوری اسلامی دامت افاضاته

پس از اهداء سلام و تحیت، من میل نداشتم که در این موقع حساس به مناقشات پرداخته شود و عقیده دارم که در این مواقع، سکوت بهترین طریقه است. و البته نباید ماها گمان کنیم که هر چه می گوئیم و می کنیم کسی را حق اشکال نیست. اشکال بلکه تخطئه یک هدیه الهی است برای رشد انسانها، لکن صحیح ندانستم که جواب مرقوم شریف و تقاضایی که در آن شده بود را به سکوت برگزار کنم، لهذا آنچه را که در نظر دارم به طور فشرده عرض می کنم.

از بیانات جناب عالی در نماز جمعه این طور ظاهر می شود که شما حکومت را که به معنای ولایت مطلقه ای که از جانب خدا به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واگذار شده و اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعیه الهیه تقدم دارد، صحیح نمی دانید و تعبیر به آن که این جانب گفته ام حکومت در چارچوب احکام الهی دارای اختیار است، بکلی بر خلاف گفته های این جانب است.

اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعیه الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یک پدیده بی معنی و محتوا باشد. اشاره می کنم به پیامدهای آن که هیچ کس نمی تواند ملتزم به آنها باشد. مثلاً خیابان کشی ها که مستلزم تصرف در منزلی است یا حریم آن است در چارچوب احکام فرعیه نیست، نظام

وظیفه و اعزام الزامی به جبهه‌ها و جلوگیری از ورود و خروج ارز و جلوگیری از ورود یا خروج هر نحو کالا و منع احتکار در غیر دو سه مورد و گمرکات و مالیات و جلوگیری از گران‌فروشی، قیمت‌گذاری و جلوگیری از پخش مواد مخدر و منع اعتیاد به هر نحو غیر از مشروبات الکلی، حمل اسلحه به هر نوع که باشد و صدها امثال آن که از اختیارات دولت است بنابر تفسیر شما خارج است و صدها امثال اینها. باید عرض کنم حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند، حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و یا غیر عبادی / است / که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن، مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند.

آنچه گفته شده است تاکنون و یا گفته می‌شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است آنچه گفته شده است که شایع است مزارعه و مضاربه و امثال آنها را با آن اختیارات از بین خواهد رفت، صریحاً عرض می‌کنم که فرضاً چنین باشد این از اختیارات حکومت است و بالاتر از آن هم مسائلی است که مزاحمت نمی‌کنم. انشاءالله تعالی خداوند امثال جناب عالی را که

جز خدمت به اسلام نظری ندارید، در پناه خود حفظ فرمایید».

در واقع امام رضوان الله علیه می‌خواهند بفرمایند تمام احکامی که فقیه به عنوان حاکم اسلامی صادر می‌کند از احکام اولیه اسلام می‌باشد نه از احکام ثانویه و اینکه بگوئیم یک حکمی قبلاً بوده و این حکم جدید ولی فقیه با آن حکم قبلی تعارض کرده و آن را برداشته و حکم جدید بجایش نشسته است یعنی از آن وقتی که خداوند متعال اسلام را آورده مثلاً شرب تنن حلال نبوده بلکه وقتی رسیده به زمان میرزای شیرازی که حکم به حرمتش داده ما فهمیدیم که از همان اول شرب تنن در این ظرف حلال نبوده بلکه حرام بوده منتهی ما نمی‌دانستیم تا اینکه با حکم میرزای شیرازی واقع برای ما مشخص شده و یا اینکه فقیه حکم به حرمت حج می‌کند معنایش این است که امسال کلاً حج حرام است در واقع امام رضوان الله علیه می‌خواهند بفرمایند حکم ولی فقیه اینطور نیست که به ضرورتی حکمی را بردارد و بجایش حکمی دیگر بگذارد بلکه از اول در آن ظرف خلأ وجود داشته و ما نمی‌دانستیم نه اینکه مثلاً حج طبق دلیلی واجب بوده و بعد با دلیل حرمت یعنی حکم ولی فقیه تعارض کرده و یکی بر دیگری مقدم شده بلکه از اول در این ظرف خلأ وجود داشته و مثلاً ما با دیدن حکم حرمت حج فهمیدیم که اصلاً حج در چنین شرایطی واجب نبوده و این حکم اولی است و امام رضوان الله علیه نیز می‌خواهند بفرمایند حکمی که ولی فقیه در ظرف خودش صادر می‌کند حکم اولی است نه حکم ثانوی.

بحث ولایت فقیه تمام شد و إن شاء الله از فردا بحث جدیدی را آغاز خواهیم کرد... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین